



کارل مارکس ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳

اول مه (۱۱ اردیبهشت)

خیابانها مال ماست

نابود باد سرمایه داری
آزادی برابری حکومت کارگری



دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم و خطر سوسیالیسم،
به چه منجلاپی بدل می شود.

منصور حکمت (زوبین رازانی) ۱۳۳۰ - ۱۳۸۱



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.
منصور حکمت

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: 00448701687574

گردهمائی تبلیغی
حزب کمونیست کارگری عراق
در میدان فردوس شهر بغداد

به مناسبت اول ماه مه
ترازنامه عملی سرمایه داری

صفحه ۳

نگاهی به بیانیه
پلنوم نهم
حزب دمکرات

کردستان ایران

حامدخاکی صفحه ۴

سازمان زحمتکشان

را از لیست

سازمانهای سیاسی

حذف کنید!

صفحه ۳

اسطوره کرکوک پایتخت، سراب تاج و تخت!
احزاب ناسیونالیست کرد و "آزاد سازی" عراق

رفت، اما غیبت صدام و ارتش
وسیع‌اش، هنوز در حاله ای از
ابهام است. هنوز معلوم نیست
چرا شهرک فاو و ام القصر باید
در طول یک هفته ویرانسازی و
کشتار، نیمه تسخیر شود، اما در
عرض یک روز بغداد "فتح" شود؟
هنوز روشن نیست که با کدام

صفحه ۲

با فروکش کردن باران بمب و
موشک بر سر مردم عراق، با
کنار گذاشتن رژیم صدام، بر خلاف
جنجال تبلیغاتی هواداران کشتار
مردم عراق، "آزادسازی" عراق،
پایان مشکلات و مشقات مردم
از دست رژیم فاشیستی بعث نشد
تا به آرزوهای خود برسند، برعکس
دور تازه ای از فلاکتهای مردم
عراق شروع شده است. رژیم صدام



عبدالله شریفی

تلویزیون انترناسیونال

روزهای یکشنبه

ساعت ۵ و نیم بعداز ظهر

و جمعه

ساعت ۵ و نیم شب بوقت تهران

از شبکه تلویزیونی کانال یک

پخش میشود

آدرس تماس:

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۲۲۳۷

فاکس: ۰۰۱۵۰۳۲۱۲۱۷۳۳

ای میل:

wpi_tv@yahoo.com

سایت اینترنت:

www.rowzane.com

مدیر مسئول: آذرمدرسی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

« اسطوره کرکوک پایتخت... »

زد و بند صدام و سران دولتش غیب شدند و با کدام معامله طارق عزیز خود را تسلیم میکنند؟ تاکنون معلوم نکرده اند که چرا مردم عراق را با بلندگوی مشتی چپاولگر آدم کش، باید غارتگر و دزد خواند؟! و... تمام این ابهامات جواب روشن خود را دارد. اگر آمریکا عامدانه میکوشد پروسه را پیچیده کند و مردم را سردرگم کند، نتیجه‌ای نخواهد گرفت. مردم جهان امروز هوشیارتر از آنند که فکرش را می‌کردند. مردم می‌بینند و میدانند که چرا جایجا کردن نیرو و تجهیزات جنگی از آن سر دنیا به این سر دنیا در عرض چند ساعت امکان پذیر است اما آوردن دارو و نان بعد از چند هفته هنوز با "دشواری" مواجه است. مردم آزادیخواه جهان میدانند که چرا با نا امن کردن جو و فضای شهرها، بعد از سمینارها، آوردن و بردن فرماندارها، بعد از استمداد از پلیس عراق و بقای رژیم بعث، بعد از تست دست درازی بازسازی حزب بعث "غیر آلوده" و فاسد نشده، قرار است چه سرنوشتی را به مردم عراق تحمیل کنند.

در این اوضاع نابسامان در این شیر تو شیر شدن اوضاع نوکران و حلقه به گوشه‌های آمریکا، نگاهی به ناسیونالیسم کرد و افزایش جای خود دارد. احزاب قومی عشیره کرد که در این ۱۲ سال به کلی و در طی این تهاجم وحشیانه به مردم عراق بطور مشخص بخشی از دنباله‌چهره سیاست میلناریستی آمریکا و انگلیس بودند، در پروسه "آزادسازی" هم به حق از نوکری و وردستی قصور نکردند. اما با این همه مستقل از پرو پاگندشان در وضع شوری قرار گرفته اند. ژنرال بورس مور که قرار است در طرح پنتاگونی حاکم کردستان شود در یکشنبه گذشته در جلسه پارلمان خود خوانده حزب پارتی شرکت کرد و بار دیگر اهل بیت را به طرح خود یعنی خلع سلاح آنها در پروسه بعدی حالی کرد. (برایتی ارگان پارتی، شرکت مور را تایید کرد اما از محتوی سخنان او طفره رفت) اکنون نیروی های نظامی آمریکا در مرزهای سلیمانیه، دهوک و

پایتخت دست شسته بودند. به آمریکا و ترکیه تعهد داده بودند که وارد کرکوک و موصل نشوند. حتی در جریان جنگ، نیروهای آمریکایی در پیشرویهای نزدیک به موصل با یک بمب باران "آشتباهی"، موازین تعیین شده را به آنها یاد آوری کردند. اکنون که کد ها تغییر کرده است، با این کد یعنی کرکوک شهر برادری اقوام" می‌خواهند از گارنر امتیازی ناچیز و حقیر مطالبه کنند. وگرنه کرکوک نفت دارد به خودی خود بی معنی است، اما فتشیم نفت در افکار قومی و ناسیونالیستی احزاب در کردستان عراق نه برای کشور داری و نه برای استخراج نفت، بلکه برای ساختن اسطوره و عوام فریبی موارد مصرفی داشته و دارد. چون هم گارنر و هم ژنرالهای ترکیه و هم مردم کردستان میدانند که این احزاب با حیات سیاسی جامعه کردستان همخوانی ندارند و خویتر میدانند که این جماعت اهل کشور داری و این حرفها نیستند. اینها برای سرگردنه ساخته شده‌اند و در این ۱۲ سال بر بستر فقدان مدنیت در کردستان عراق، بساط حاکمیت احزاب عشیره ای شان را گسترده‌اند. مسائل جامعه و مردم و اصول مدنیت به اینها چه با نفت و چه بدون نفت، بی ربط است. اینها در آینده هم جایگاهی جز بازی در سناریوهای سیاه مافیایی نخواهند داشت. حتی وضع فعلی را هم به آنها روا نمینند. احزاب ناسیونالیست بازنده کل این قمار هستند. از نظر مردم جریان نوکر حلقه به گوش و عقب مانده هستند که در پروسه خلع سلاح بدون اسلحه چیزی به حساب نخواهند آمد. از نظر آمریکا و هم پیمانانش دلداری ترکیه و ایران و نوازش ناسیونالیسم جریحه دار شده عرب مسئله اصلی است نه تاج و تخت سپردن به مشتی احزاب قومی و عشیره ای که از ارابه تاریخ هم به بیرون پرت شده اند. از منظر مردم متمدن کردستان پایان دوره ای است که در آن آتمسفر

انسان چه به شیعه منتسب باشند یا به سنی، هویت کردی برایشان تعریف کرده باشند یا عرب و ترکمن و ... مردم یا چلبی باشد و الزبید و یا در میدیای غرب مریدان باقر حکیم و جلال طالبانی تصویر شوند، مردم متمدن و آزادیخواه کردستان ورای حیاط خلوت ساختگی، میدانند که جامعه عراق جامعه ای انسانی و طبقاتی است. نفت این کشور سالها است با استثمار طبقه کارگر استخراج میشود. تولید این کشور سالها است با دستان همین طبقه جان میگیرد. ثروت افسانه ای که همه جانورهای اسلامی و قومی را سیر کرده است حاصل استثمار وحشیانه سالها بر این طبقه بوده است. اختناق و بی حقوقی سیاسی و مدنی مردم محروم عراق را هدف قرار داده است. زندانها و شکنجهگاههای ترسناک برای کمونیستها و مخالفین و آزادیخواهان بوده است. زن در این جامعه به بیحقوقی کامل دچار شده است. کودکان در غیر انسانی ترین شرایط بوده اند. اگر از این واقعیت در ادبیات احزاب ملی عشیره ای حرفی زده نمی شود و به جای آن حکیم و خوبی و چلبی و پاچه چی و بارزانی و طالبانی میداندار میشوند، ساختگی است. قلابی است. توطئه است برای خارج کردن مردم از مدار قدرت و دور دیگر از سرکوب و اختناق و بی حقوقی، اگر کسی در جستجوی واقعیات است، باید به شورای کارگران نفت کرکوک سر بکشد، باید به مقر های حزب کمونیست کارگری عراق در ناصریه و کرکوک و بغداد برود که با رهبری زندانیان آزاد شده کمونیست بر پا شده است. مردم عراق و مردم کردستان عراق در جامعه ای آزاد و برابر در جامعه ای که همه شهروند متساوی الحقوق باشند در جامعه ای که برابری و رفاه انسان مبنای شود، در جامعه ای که مردم در سرنوشت خود دخالت مستقیم داشته باشند بطور واقعی آزاد هستند. آنچه اکنون تحت نام "آزادی" در جریان است، سناریوی سیاه و تباهی زندگی مردم عراق است. دست اندر کاران این سناریو

دارند برای منافع خود هر یک به سهم خود در به فلاکت کشاندن مردم نقش بازی میکنند. برای رهایی از این هیولا باید جنید. مساله قدرت سیاسی در عراق بعد از سالها باز شده است. برپادارندگان سناریوی سیاه به این زودی قادر به فیصله قدرت نخواهند شد. نا آرامی و هرج و مرج و جنگهای قومی و مذهبی براه خواهند انداخت. باید به این توحش لگام زد. تنها با قدرت مردم و قدرت هزاران تشکل زنان و مردان آزادیخواه، با قدرت طبقه کارگر و افق کمونیستی می توان به مقابله با این بربریت رفت. باید شورا و مجامع عمومی مردم در هر گوشه و کنار بر پا داشت. اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب و کرد و ترکمن خود در کنار رژیم بعث از عوامل تخریب پیشروی تاریخی مردم عراق هستند. خود راه حل که نیستند هیچ بلکه صورت مساله هستند. بدون طرد و فاصله گرفتن از این پدیده ها تضمین هیچ درجه ای از آزادی در عراق ممکن نیست. در این میان حزب کمونیست کارگری عراق تنها نقطه امید و نوری است در این ظلمت که باید تقویت شود.

۲۸ آوریل ۲۰۰۳

کمک مالی به کمیته کردستان

اسماعیل ویسی ۱۵۰ یورو
حیدر خدزی ۱۰۰ یورو
عمر معروفی ۵۰ یورو
جلال حسین زاده ۵۰ یورو
سحر از نروژ ۵۰۰ کرون

یک دنیای بهتر،

برنامه حزب کمونیست

کارگری را بخوانید!

به مناسبت اول ماه مه ترازنامه عملی سرمایه داری

سازمان زحمتکشان را از لیست سازمانهای سیاسی حذف کنید!

ایرج فرزاد

را که در اوج بی شرمی میلیونها مردم متممن معترض به جنایتکاران جنگی را مدافعین صدام نامیدند، یکبار برای همیشه از صفوف خود بیرون میکردند؟ اگر چنین نشده است، آیا باز توقعی نابجا از این "چپ" مطرح میشود؟

اگر سازمان زحمتکشان با آن کارنامه "درخشان" دو سه ساله در دفاع از فاشیسم آشکار کردی و اعلام سیاست پاکسازی قومی هنوز برای امضاکندندگان پیمانیه در لیست سازمانهای "خلقی" جای داشت، در جریان جنگ جنایتکارانه پنتاگون علیه مردم عراق، علی القاعده، میبایست میدیدند که چگونه همراه امثال جلال طالبانی و دست ژنرال گارنر، نیششان بر تل اجساد مردم عرب زبان تا بناگوش باز شد و چاقویشان را برای پاکسازیهایی قومی در کرکوک و موصل تیز کردند.

غیر از سازمان زحمتکشان بقیه امضاکندندگان پیمانیه مذکور، از اعتراضات ضد جنگ حمایت کردند، رعایت حداقل پرنسپهای سیاسی حکم میکند که فوراً در پیمانیه دیگری نام سازمان زحمتکشان را از همان لیست امضاکندندگان پیمانیه مشترکشان حذف کنند.

مگر میشود با حلقه بگوشهای مزدوران سیا و پنتاگون و ژاندارمهای سیاست نظم نوین و شکنجه گران و جنایتکاران جنگی و بانیان یک سناریو سیاه برای مردم عراق، پیمانیه مشترک آنها در مورد "آزادی زن" صادر کرد؟ آیا بالاخره مرز و خط قرمزی حتی در آن نوع اتحاد عملها وجود دارد؟

به پاس احترام به میلیونها مردم جهان متممن که در اعتراض به جنایتکاران نظم نوین به خیابانها آمدند، و در تعهد به ابتدائی ترین پرنسپها و موازین اخلاق سیاسی، سازمان زحمتکشان باید بعنوان مدافع متعصب جنگ ژنرالهای پنتاگون و سیا علیه مردم عراق، از صفوف سازمانهای سیاسی و به طریق اولی از صفوف "چپ" طرد شود. این ابتدائی ترین توقع از جریاناتی است که خود را چپ و بعضاً کمونیست و سوسیالیست نامیده‌اند و به جنبش ضدجنگ ملحق شدند. □

بیانیه‌ای با امضای مشترک چند سازمان و حزب سیاسی، و به تعریف خود "چپ"، تحت عنوان: "اصول پایه‌ای در مورد برابری و آزادی زنان ایران" منتشر شده است که نام سازمان "خوشنام" زحمتکشان و از مدافعین فالانژ جنگ بوش و بلر علیه مردم عراق نیز در لیست امضا کنندگان آن است. در اینجا من قصد وارد شدن به فلسفه این نوع اتحاد عملها که معمولاً به روشی برای ابراز وجود سیاسی گروهی در حاشیه مسائل اساسی جامعه تبدیل شده است، ندارم. بحث بر سر رعایت یا عدم رعایت حداقل پرنسپها و موازین اخلاق سیاسی است.

بیانیه بدون تاریخ است، اما به نظر میرسد که اوائل ماه مارس نوشته شده باشد چرا که در همان بند اول به هشت مارس اشاره شده است. در میان امضاها علاوه بر سازمان زحمتکشان، اسامی سازمانهای راه کارگر و حزب کمونیست ایران و اتحاد چپ کارگری و حزب مارکسیست-لنینیست-مائونیست نیز به چشم میخورند. تاریخ این بیانیه مهم بود چرا که سازمان زحمتکشان بعد از هشت مارس زیر سایه پدرخوانده خود، جلال طالبانی، همراه با سازمان سیا و پنتاگون و ارتش و تفنگداران آمریکا، در کنار جنگ جنایتکاران علیه مردم عراق، در برابر میلیونها مردم جهان متممن قرار گرفت. بقیه امضا کنندگان ظاهراً در مورد این جنگ، "موضع" دیگری داشتند.

سوال این است که واقعا چه عاملی باعث شده است تا سازمان زحمتکشان که با شروع جنگ، آشکار و وقیح از میلیتاریسم آمریکا و نظم نوین بوش و بلر، به دفاع برخاست، هنوز بعنوان "چپ" در لیست اتحاد عملها و صدور بیانیه مشترکها قرار داده میشود؟ آیا اصولی تر نبود حتی اگر بیانیه مذکور را قبل از جنگ امضا کرده بودند، صریح و شجاعانه و صادقانه عنر سازمان زحمتکشان را میخواستند و علناً به مخاطبین خود هم اعلام میکردند و سازمان زحمتکشان

آسیا تا قلب پایتختهای اروپای غربی و آمریکا است. امید توسعه اقتصادی جوامع عقب مانده دیگر به تمامی به یاس مبدل شده است. رویای رشد جای خود را به کابوس دائمی قحطی و بی غذایی و بیماری داده است. در اروپا و آمریکای پیشرفته بدنبال سالها رکود عمیق بدون اشتغال، عینا همین کابوس را جلوی دهها میلیون خانواده کارگری گرفته است. جنگ و مردم کشی در ۵ قاره بیداد میکند. عظیم ترین عقبگردهای فکری و فرهنگی در جریان است، از بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژاد پرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیونها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد. جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها به یک واقعیت پارچه در زندگی روزمره مردم و حیات اقتصادی و سیاسی کل جامعه تبدیل شده است. اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روزافزون شبکه های جنایی تولید و توزیع آنها یک معضل عظیم و لاینحل بین المللی است. نظام سرمایه داری و اصل اصالت سود کل محیط زیست را با خطرات جدی و لطمات جبران ناپذیری روبرو ساخته است. در این میان متفکرین و سخنگویان بورژوازی حتی مدعی ارائه پاسخی در قبال این اوضاع نیستند. این واقعیت عملی سرمایه داری امروز است که آینده بسیار هولناکی را پیشروی کل مردم جهان گرفته است.

**از یک دنیای بهتر،
برنامه حزب کمونیست
کارگری، نوشته
منصور حکمت**

اجتماعی و ارزشهای اخلاقی جامعه امروز است.

ثانیا، این بورژوازی و نظام سرمایه داری است که دائماً به سرسختانه ترین وجه با تلاش هرروزه توده های وسیع مردم در چهارگوشه جهان برای فاتح آمدن بر این مشقات و محرومیتها و عقب ماندگی ها مقابله میکند. تلاش هر روزه کارگر برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفاهی و حقوق مدنی توده وسیع مردم با مانعی جز بورژوازی و دولتها و احزاب و مبلغینش روبرو نیست. خیزش های توده های وسیع مردم در مناطق عقب مانده و محروم برای دخالت در سرنوشت خویش، بعنوان اولین مانع با نیروی قهریه بورژواهای محلی و بین المللی روبرو میشود.

دولت، نهاد مذهب، رسانه ها و دستگاههای تبلیغاتی عظیم بورژوازی، سنتها و اخلاقیات و نظام تربیتی و آموزشی طبقه حاکمه سازنده ذهنیت های عقب مانده، متعصب و تبعیض گر در بین توده مردم و نسلهای پی در پی است. جای تردید نیست که این سرمایه داری و بورژوازی است که سد راه نقد و تغییر جهان امروز توسط میلیونها انسانی است که نه فقط از نظام موجود به تنگ آمده اند بلکه کمابیش خطوطی را که یک جامعه شایسته انسان باید بر طبق آن سازمان یابد شناخته اند.

امروز، در انتهای قرن بیستم، در اوج جهانی شدن سرمایه و سرمایه داری، در دل عظیم ترین انقلابات تکنولوژیکی، بشریت در یکی از خظیر ترین دوره های تاریخ خود سیر میکند. مساله بقاء فیزیکی معضل میلیونها انسان از کشورهای فقر زده آفریقا و

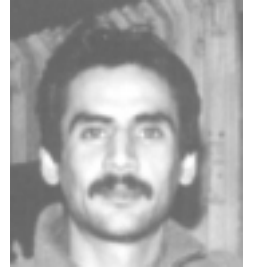
نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. فقر و محرومیت، تبعیض و نابرابری، اختناق و سرکوب سیاسی، جهل و خرافه و عقب ماندگی فرهنگی، بیکاری، بی مسکنی، ناامنی اقتصادی و سیاسی، فساد و جنایت همه و همه محصولات گریز ناپذیر این نظامند. سخنگویان بورژوازی در انکار این حقیقت، خاطر نشان میکنند که این مصائب را سرمایه داری ابداع نکرده است، که همه اینها مقدم بر سرمایه داری وجود داشته اند، که استثمار و تصاحب دسترنج تولید کنندگان، استبداد، تبعیض، ستمکشی زن، جهل و خرافه و مذهب و فحشاء کمابیش به قدمت خود جامعه بشری اند.

آنچه در این میان پرده پوشی میشود این واقعیت است که اولاً، همه این مصائب و محرومیتها در این جامعه محتوا و معنای جدیدی متناسب با نیازهای جهان سرمایه داری یافته اند و هر روز از نو در متن سرمایه داری مدرن امروز، به عنوان اجزاء لایتجزای این نظام، باز تولید میشوند. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی اقتصادی در انتهای قرن بیستم، نظام اقتصادی انتهای قرن بیستم است. استبدادها و دیکتاتوری های خونین، جنگها، مردم کشیها و سرکوب و اختناق که سهم صدها میلیون انسان امروز از زندگی است، حکمت خود را از نیازها و ملزومات نظام حاکم بر جهان امروز میگیرد و به منافعی در همین جهان خدمت میکند. فرودستی زن امروز در کل پهنه جهان، محصول اقتصاد و اخلاقیات قرون وسطی نیست، محصول نظام اقتصادی و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

در دوران سکوت سنگین تر بودید!

نگاهی به بیانیه پلنوم نهم حزب دمکرات



حامدخاکی

hkhaki50@yahoo.com

بالاخره حزب دمکرات کردستان ایران سکوت مرموزش را شکست. لب باز کردند و در بیانیه پلنوم نهم کمیته مرکزی این حزب که در تاریخ ۱۹ آوریل ۲۰۰۳ تشکیل شد، در مورد جنگ آمریکا در عراق اعلام موضع کردند. مدتها بود در قبال واقعه‌ای که تمام دنیا را به اتخاذ موضع واداشت سکوت کرده بودند. از راست و چپ دنیا از نیروهای سیاسی منطقه گرفته تا رادیکالیسم در آن سر دنیا و تا کشورهای اروپایی که منافعشان را در این جنگ نمی‌دیدند، همه و همه به نوعی ابراز موضع کردند، اما یک حزب سیاسی که نیروها و اردوگاههایش نیز در این منطقه بودند چرا سکوت کرده بود؟ این سکوت دلایل سیاسی و قابل فهم داشت؛ استراتژی زیستن در شکافهای منطقه میتواند توجیه گر این سکوت حزب دمکرات بوده باشد. اما دیگر رژیم بعث و صدام باقی نمانده است و با وجود اینکه حزب دمکرات به دل به پیروزی نظامی نیروهای آمریکائی و انگلیسی دل بسته بود و میل داشت رسماً در اردوی آنها باشد، اما فاکتور مهمی برای عدم اتخاذ موضع رسمی‌اش مناسبات با سوسیال دمکراسی اروپا و علی‌الخصوص فرانسه بود که این حزب پیوند خود بویژه با "انترناسیونال سوسیالیست" را از افتخارات عظیم خود بحساب آورده است. اما عقربه ترازوی پراگماتیسم همیشگی حزب دمکرات بالاخره به او نشان داد که دستاورد نقدی عملیات "آزاد سازی" پنتاگون و سیا در عراق را به وعده سرخرمن فرانسه و مرحمت های بانو میتران (مادر کردها!) ترجیح دهد. و پلنوم حزب دمکرات بجای اینکه توجیه به هر حال معقولی در سکوت خود ارائه دهد، آمریکا را در

از سوسیال دمکراسی اروپا به عرابه جنگی و ماشین کشتار آمریکا. اما جنگ دوم آمریکا علیه مردم عراق در همان حال احزاب ناسیونالیست کرد را هم دچار تحولاتی ساخت. دو جریان پارتی و اتحادیه میهنی، در این جنگ به پیچ و مهره های محلی ماشین جنایات جنگی علیه مردم عراق و در خدمت یک دوره از پاکسازیهها و آغاز نفرت پراکنی های قومی و ملی تبدیل شدند. حزب دمکرات کردستان ایران، به همین دلیل و بخاطر آزادبیشخ خواندن سناریو سیاه بوش برای مردم عراق، از پیشینه این دو جریان از مقطع جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱ تاکنون یک دوران طلایی میسازد. دقت کنید:

"مباهات می‌کنیم که کردهای عراق و نیروهای سیاسی آنها توانستند در ظرف ۱۲ سال گذشته نمونه مثبتی از اداره خود را به جهانیان ارائه دهند و در پروسه تغییر وضع در عراق نیز نقش چشمگیری ایفا نمایند. به همین جهت از صمیم قلب به آنها تبریک می‌گویم" (از همان متن)

و موارد مشخص این نمونه دمکراسی کردی را اگر لیست کنیم، روسای دو حزب عشایری یاد شده باید سرشان را پائین بگیرند. اما جهت یادآوری به خوانندگان، چند قلم از پرونده اینها را ذکر میکنم: تنها لیست ترور شدگان اپوزیسیون ایرانی در منطقه حاکمیت کردهای مورد مباهات" حزب دمکرات تا سال ۲۰۰۱ به رقم ۳۵۰ رسیده بود، که تعداد قابل توجهی از آنها به خود حزب دمکرات متعلق بودند. لشکرکشی جمهوری اسلامی در حمله به خود حزب دمکرات در عملیات مشترکی با اتحادیه میهنی، را هم از لیست سانسور "دمکراتیک" حزب دمکرات بیرون میکشیم و آمار کشتار بیش از ۵ هزار زن در این ۱۲ سال را اضافه میکنیم. حضور مکرر و مداوم آقایان مطری از اطلاعات ایران و حسن قاپلان فرماندهی ارتش ترکیه در شمال عراق، کشتار کمونیستها در سلیمانیه، ممنوع اعلام کردن حزب کمونیست کارگری عراق، فقط سر تیتتر برخی از دستاوردهای "دمکراسی" حاکمیت ۱۲ ساله این دو حزب عشیره ای است. حزب دمکرات سرانجام سکوتش را در باره جنگ آمریکا علیه عراق شکست، اما کاش کماکان سکوت میکرد. اعلامیه پلنوم نهم کمیته مرکزی حزب دمکرات جنگ آمریکا و کشتار مردم عراق را آزادبیشخ نامید و این حزب به امید سرایت

گردهمائی حزب کمونیست کارگری عراق در میدان فردوس بغداد

بنا به اطلاعیه ۲۷ آوریل حزب کمونیست کارگری عراق عصر روز یکشنبه ۲۷ آوریل یک گردهمائی تبلیغی در میدان فردوس (مقابل هتل فلسطین مقر مرکزی نیروهای آمریکایی) در بغداد توسط این حزب برپا شد که طی آن باندلرهای سرخ بزرگی با این شعارها برافراشته شده بودند: خروج فوری نیروهای آمریکا از عراق، استقرار نیروهای سازمان ملل و برسمیت شناسی آزادیهای سیاسی و مدنی مردم برای تعیین نظام بعدی در عراق و "هر حکومتی که آمریکا بر عراق تحمیل کند فاقد مشروعیت است". جمعیت زیادی از مردم بغداد در این گردهمائی جمع شدند و شمار قابل توجهی از آنان خواهان عضویت در حزب کمونیست کارگری و شماری آگاهی بیشتر درباره مواضع حزب شدند. همچنین صدها نسخه از نشریه مرکزی حزب "الشیوعیه العمالیه" (کمونیسم کارگری) پخش شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. در خلال این تجمع سربازان آمریکایی با چند تن از شهروندان حاضر در میتینگ درگیر شدند و به ضرب و شتم آنان دست زدند، در اعتراض به این سرکوبگری، جمعیت حاضر در میتینگ شعارهای: **Down Down Bush!** و **US Army Go Home!** سر دادند. شماری از خبرنگاران تلویزیونها و مطبوعات هنگام برگزاری این میتینگ در میدان فردوس حضور داشتند و از میتینگ و از درگیری سربازان آمریکایی با شهروندان گزارش تهیه کردند.

در اطلاعیه دیگری به تاریخ ۲۸ آوریل، حزب کمونیست کارگری عراق خبر داده است که رادیو ۲۴ ساعته بخش عربی بی بی سی با موید احمد عضو دفتر سیاسی این حزب و سردبیر نشریه "الشیوعیه العمالیه" درباره اوضاع عراق مصاحبه کرد و این مصاحبه را روز ۲۶ آوریل در سری مصاحبه با احزاب سیاسی عراق پخش کرد. همچنین نادیه محمود عضو دفتر سیاسی حزب روز ۲۶ آوریل در کنفرانسی تحت عنوان "عراقیها علیه اشغال" شرکت و سخنرانی کرد. در حاشیه کنفرانس تلویزیون ابوظبی با نادیه محمود مصاحبه کرد. نادیه محمود در ۲۳ آوریل نیز در یک جلسه سیاسی با شرکت هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و ایران و جمعیت حقوق بشر دانمارک و نمایندگانی از سازمان ملل در کینهاگ دانمارک درباره اوضاع عراق و آلترناتیو حزب کمونیست کارگری عراق سخنرانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ اردیبهشت ۱۳۸۲ - ۲۸ آوریل ۲۰۰۳

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آستگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

سناریو سیاه ژنرالهای پنتاگون و سیا به ایران و کردستان ایران از خواب پرید. گرفتن سهمی از قدرت و رسیدن به مقام کدخدائی کردستان، حزب دمکرات را به مداح ماشین جنگی ارتش و حکومت جناح راست آمریکا کشانده است. و این سرنوشته، از "برکات" جنگ دوم آمریکا علیه مردم عراق برای حزب دمکرات کردستان ایران است.

۲۸ آوریل ۲۰۰۳
